

به نام خدا

دوره استاد

محمد دادرس

استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

Dadras@ut.ac.ir



عشق است که در جانت هر کیفیت انگیزد
از تاب و تب رومی تا حیرت فارابی

اقبال لاهوری

اردیبهشت، ماه معلمان و مربیان و استادان است و فرصتی است برای یادآوری و قدردانی از همه معلمان و استادان ارجمندی که عاشقانه در این راه کوشیده‌اند و می‌کوشند؛ به همه استادان ارجمند این مناسبت خجسته را تبریک عرض می‌کنم. اما در این ماه مناسبت دیگری نیز داریم و آن تولد استاد ارجمند جناب آقای دکتر عباس بازرگان در هفتمین روز اردیبهشت است؛ از این تقارن استفاده می‌کنم و با عرض تبریک به ایشان که معلم بزرگی برای من و بسیاری دیگر، به ویژه دانشجویان رشته علوم تربیتی بوده‌اند، خداوند مهربان را شکر می‌گویم که لطف بزرگی به ما داشته است که فرصت آشنایی، شاگردی، همراهی، همکاری و دیدار چنین استادانی را به ما داده است؛ امیدوارم قدردان لحظات آن باشیم.

۱ <https://www.isna.ir/news/8802-05364/%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%B3%D9%85-%D8%A8%D8%B2%D8%B1%DA%AF%D8%AF%D8%A7%D8%B4%D8%AA-%D8%AF%D9%83%D8%AA%D8%B1-%D8%B9%D8%A8%D8%A7%D8%B3-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%B1%DA%AF%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%D9%88%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D8%AA-%D8%B9%D9%84%D9%88%D9%85-%D8%A8%D8%B1%DA%AF%D8%B2%D8%A7%D8%B1-%D8%B4%D8%AF-%D8%AF%D9%83%D8%AA%D8%B1>

نوشتن درباره استاد ارجمند جناب آقای دکتر عباس بازرگان، به ویژه برای اینجانب که سال‌هایی نسبتاً طولانی افتخار شاگردی، همکاری و زیست علمی و کاری در کنار ایشان را داشته‌ام، علاوه بر افتخاری که دارد، امری است سهل و ممتنع. سهل است زیرا از یک طرف در همه لحظات زندگی ایشان که شاهد آن بوده‌ام، حرکت، جوشش، تأثیرگذاری و رخدادهای متعدد، متنوع و ارزشمندی جریان داشته است، بنابراین اندوخته ارزشمند و گسترده‌ای را برای بیان آنها فراهم می‌کند و ممتنع است زیرا بیم آن است که بیان قاصر به شایستگی، ارزش تلاش‌های ایشان را آشکار نکند، یا دچار پیرایه‌هایی چون زیاده‌گویی و تعارف و تملق گردد. در این مجال، مطالب را بر اساس سه موضوع کلی: ویژگی‌ها، کارها و اقدامات برجسته و حوزه‌های تخصصی ایشان بیان می‌کنم و امیدوارم از آنجایی که از دل برمی‌خیزد، بر دل خوانندگان محترم بنشیند.

موضوع اول، ویژگی‌ها؛ یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های درس‌آموز زندگی جناب آقای دکتر بازرگان، شوری است که از وجود ایشان می‌تراود، به طوری که در نخستین دیدار به چشم هر شاهدی می‌نشیند. منشأ این شور را چه می‌توان دانست جز عشق. این عشق از کجاست و معطوف چیست؟ دانستن این که این عشق و شور از کجاست به سادگی میسر نمی‌شود اما می‌توانیم بر اساس تجربه و مشاهده زیست این جان عاشق بگوییم که این عشق معطوف چیست؛ عشق به ایران است، ساختن ایران؛ ساختن ایران در عین آگاهی از همه دشواری‌های پیش روی، برای آبادانی و سربلندی ایران و مردمش؛ عشق به کودکان و جوانان این سرزمین، عشق به تأمین آموزش با کیفیت و شایسته برای همه آنان؛ عشق به دانشگاه، به علم و رسیدن به قله‌های دانش و پیشرفت علم در ایران و کاربرد یافته‌های علمی و آموخته‌ها در زندگی فردی و اجتماعی؛ عشق به کوشیدن، خستگی ناپذیر با وجود کمبودها و مانع‌های به ظاهر بی‌پایان و عشق به تلاش داوطلبانه و عشق و محبت به تلاشگران علاقه‌مند؛ عشق به آموختن به هر دو معنای لازم و متعددی آن، آموختن آموخته‌های خویش به دیگران اگر مشتاق باشند؛ و آموختن از دیگران، از حکمتی از ادبیات ایران و جهان تا تازه‌های دانش و نوآوری‌های علمی در جهان و به روز شدن از طریق حضور در نشست‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی در صورت ضرورت؛ عشق به کار درست در حرفه خود، به تدریس با کیفیت و به پژوهش‌های دارای اعتبار؛ عشق به زبان فارسی و آموزش آن؛ عشق به بهبود کیفیت زندگی مردم ایران در همه عرصه‌ها، عشق به بهبود کیفیت آموزش از ابتدایی تا عالی؛ عشق به خرد، به فهم درست، به زندگی خردمندانه، عشق به جاری شدن علم و عقل در زندگی؛ عشق به زندگی، زندگی همراه با شور، خرد و اندکی طنز؛ و در یک کلمه می‌توان گفت عشق به کیفیت، شعله‌ای است که ایشان را در جهت آرمان‌های والا هدایت می‌کند.

کسانی که در کنار ایشان کار و زندگی کرده‌اند بی‌گمان شواهدی را برای برخی یا همه موارد بالا، به یاد می‌آورند. روزی بعد از اتمام جلسه‌ای نه چندان رضایت‌بخش در زمینه کیفیت دانشگاه تهران باز می‌گشتیم؛ از ساختمان مرکزی دانشگاه تهران به قصد مرکز ارزیابی کیفیت دانشگاه که در آن زمان در بلوار کشاورز قرار داشت از پردیس مرکزی دانشگاه قدم زنان البته به سرعت می‌رفتیم؛ در حالی که سعی می‌کردم هم‌پای ایشان گام بردارم، پرسیدند آیا می‌دانید آینده اینجا چه خواهد شد؟ گفتیم: اینجا؟ یعنی دانشگاه تهران؟ گفتند: بله، دانشگاه تهران، ... ایران؛ در حالی که در اندیشه پاسخ بودم گفتند: آینده دانشگاه تهران و ایران همان کارهایی است که من و شما امروز انجام می‌دهیم.

برگزاری کارگاه‌های متعدد «طراحی تجربه‌های یادگیری» در تقریباً همه دانشکده‌ها و دانشکدگان‌های دانشگاه تهران؛ گردآوری تجربه‌های تدریس برخی از استادان برجسته دانشگاه تهران و انتشار و در اختیار اعضای هیأت علمی قرار دادن آنها؛ پایه‌گذاری و

شکل‌گیری شبکه کیفیت تدریس-یادگیری در دانشگاه تهران که در زمان ریاست ایشان در مرکز ارزیابی کیفیت دانشگاه تهران به انجام رسید، نمونه‌هایی از عشق و اشتیاق ایشان به آموزش و ارتقاء کیفیت آموزش در سطح دانشگاه‌هاست.

موضوع دوم، کارهای ایشان در آموزش عالی است؛ طراحی و اجرای پروژه‌های ایشان دارای ویژگی‌هایی است که سه مورد آن از نظر اینجانب بسیار مهم است: اولاً خود مبتکر ایده آنها هستند و انجام آنها را از صفر تا صد، خود، پیگیر بوده‌اند، به طوری که آنها را در دوره‌های مختلف با وجود گرایش‌های مختلف در مصدر امور کشور و آموزش عالی و پیچ و خم‌های بسیار روندهای کاری و اداری ما که با تغییر میانه‌ای ندارند، همچون مادری آنها را به حدی می‌رسانند که بتوانند بر پای خود بایستند؛ و دوم این پروژه‌ها معمولاً مبتنی بر پیش بینی علمی و نگاه آینده نگرانه ایشان و هم‌سو با پیشرفت‌های علمی آن حوزه در جهان و چه بسا هم‌زمان با کشورهای پیشرفته از نظر علمی و در بسیاری از مواقع پیش‌تر از کشورهای نظیر و منطقه مطرح شده‌اند؛ نگاهی مثلاً به سابقه آغاز اجرای طرح‌های ارزیابی درونی در جهان، ایران و منطقه موید آن خواهد بود. سومین ویژگی، دامنه این پروژه‌ها است که وسعتی به گستردگی ایران را در نظر داشته‌اند و همواره از محدوده یک دانشگاه فراتر رفته و در سراسر کشور گسترده شده‌اند. پایه‌گذاری نظام اطلاعات آماری آموزش عالی کشور از قدیمی‌ترین اقدامات اثرگذار و ماندگار ایشان است و امروزه از جمله فعالیت‌های مستمری است که در موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی انجام می‌گیرد. در همین زمینه می‌توانیم به ارزیابی کیفیت آموزش عالی و اجرای طرح‌های ارزیابی درونی و در مواردی ارزیابی بیرونی در گروه‌های آموزشی دانشگاه‌ها اشاره کنیم که از علوم پزشکی آغاز شد و پس از اجرای آن در بیش از هزار گروه آموزشی متوقف شد و امید است که در عرصه آموزش مهندسی گسترده شود. شکل‌گیری مرکز ارزیابی کیفیت دانشگاه تهران نمونه دیگری از دستاوردهایی است که در بسیاری از دانشگاه‌های کشور الگو برداری شد و جایگاه شایسته‌ای در ساختار مدیریت و ارزیابی کیفیت دانشگاه‌های کشور کسب کرد.

همه اقدامات ایشان دارای ویژگی‌های سه گانه بالا هستند؛ بنیان گذاری مرکز ارزیابی کیفیت دانشگاه تهران به عنوان الگویی برای دانشگاه‌های کشور؛ بنیان گذاری کنفرانس‌های ارزیابی و تضمین کیفیت دانشگاهی در کشور که در حال حاضر به صورت سالانه برگزار می‌شود و پانزدهمین کنفرانس در سال ۱۴۰۰ به میزبانی دانشگاه کردستان برگزار گردید؛ و مراقبت شخصی و هدایت مستمر آن در طی بیش از ۱۷ سال و تأسیس دبیرخانه دائمی برای حفظ و تداوم آن از اقداماتی است که با هدف اشاعه فرهنگ ارزیابی و نهادینه کردن آن در آموزش عالی کشور انجام شده‌اند. تأسیس دوره کارشناسی ارشد رشته تحقیقات آموزشی با هدف توجه بیشتر و تخصصی به مسائل تعلیم و تربیت از جمله و به ویژه آموزش و پرورش کشور و جهت دهی دانش‌آموختگان رشته‌های کارشناسی علوم تربیتی در مسیر توجه به مسائل واقعی تعلیم و تربیت و کوشش در جهت رفع آنها از طریق پژوهش؛ تأسیس رشته سنجش آموزش در دوره دکتری و همکاری در اجرای دوره کارشناسی ارشد رشته آموزش مهندسی در دانشکده فنی دانشگاه تهران، از دیگر فعالیت‌های ماندگار ایشان در توسعه رشته‌های نوین و مورد نیاز کشور بوده است. بدیهی است که فعالیت‌های ایشان در جهت یاری رساندن به ارتقای کیفیت آموزش عالی، تنها محدود به موارد بالا نیست و هرگاه فرصتی برای اثرگذاری باشد، آن را قدر می‌شمارند. در همین زمینه، شایسته است به نقش برجسته ایشان در همکاری و راهبری انجمن آموزش مهندسی ایران و نیز موسسه ارزشیابی آموزش مهندسی، از آغاز تا کنون، اشاره کنیم. همه این اقدامات را باید نمونه‌ای برجسته از عمل دانشمندی دانست که خود را موظف می‌داند به دانش بدون عمل بسنده نکند.

موضوع سوم حوزه تخصصی استاد است. اگرچه آمار تخصص ایشان است اما آمار را به شکل کاربردی به ویژه برای کمک به ارتقای کیفیت علوم تربیتی مفیدتر می‌دانند. روش پژوهش و ارزشیابی آموزشی، دو قلمروی علمی است که ایشان در تدریس، تحقیق و توسعه آنها در سال‌های اخیر بیشترین اشتغال را داشته‌اند. در زمینه روش پژوهش، در کنار تحقیق و انتشار مقالات تحقیقی و تدوین منابع ارزشمند جهت آموزش این درس و رشته، درباره روش‌های پژوهش کیفی و آمیخته نیز همسو با توسعه روش‌های پژوهش کیفی در جهان به تألیف و انتشار منابع علمی اثرگذار اقدام کرده‌اند و خود، سال‌ها درس‌های روش تحقیق کمی، کیفی و آمیخته را به ویژه در سطوح عالی دانشگاهی در میان دانشجویان رشته‌های علوم اجتماعی، رفتاری و علوم انسانی تدریس کرده‌اند. علاوه بر این تلاش‌هایی نیز به منظور توسعه تدریس روش تحقیق در میان رشته‌های فنی مهندسی و علوم پزشکی، به عمل آورده‌اند، به طوری که می‌توان گفت به تأیید بسیاری از متخصصان آموزش مهندسی و کوشندگان در جهت ارتقای کیفیت آموزش مهندسی، امروزه بر ضرورت آموزش درس‌های روش تحقیق برای دانشجویان رشته‌های فنی-مهندسی بیش از گذشته تأکید می‌شود. در زمینه دانش ارزشیابی آموزشی، تلاش استاد از سال‌های پیش از انقلاب اسلامی و در دانشگاه همدان تا کنون ادامه داشته است و علاوه بر مقالات متعدد پژوهشی، منابع علمی بسیار پر مخاطبی را تألیف و منتشر کرده‌اند. موضوع این آثار علاوه بر توجه به جنبه نظری مبحث ارزشیابی آموزشی، نظارت و ارزیابی، ارزیابی درونی و بیرونی، در زمینه اجرای طرح‌های ارزیابی و کاربردی کردن هر چه بیشتر آنها نیز بوده است.

در این فرصت وظیفه خود می‌دانم که نکته‌ای را به خود و همه اعضای محترم انجمن آموزش مهندسی یادآوری کنم. هنگامی که به تلاش‌های صورت گرفته بزرگان جامعه خود می‌نگریم در بسیاری از مواقع با افسوس درمی‌یابیم که برخی از کارها و اقدامات ارزشمند که با تلاش، فداکاری و زحمات بسیار به بار نشسته بودند به جهت بی‌توجهی و قدر ندانستن ارزش آنها توسط مسئولان و مدیران بعدی از میان رفته است. به نظر می‌رسد انجمن‌های علمی و تخصصی به ویژه انجمن آموزش مهندسی به جهت جایگاه علمی خود و حضور متخصصان مختلف بتواند گام‌هایی موثر در جهت پاسداری و حفظ میراث علمی و فرهنگی ایجاد شده توسط دانشمندان و صاحب‌نظران کشور بردارد که این خود، بهترین راه برای ارتقاء و تضمین کیفیت در کشورمان خواهد بود.

نمی‌توان از جناب آقای دکتر عباس بازرگان سخن گفت و سخنانی از پاستور را به یاد نیورد که در دفتر کار ایشان نظر هر دانشجو و استادی را به خود جلب می‌کند:

«در هر حرفه و شغلی که هستید نه اجازه دهید که به بدبینی‌های بی‌حاصل آلوده شوید و نه بگذارید که بعضی لحظات تأسف بار که برای هر ملتی پیش می‌آید، شما را به یأس و ناامیدی بکشاند. در آرامش حاکم بر آزمایشگاه‌ها و کتابخانه‌هایتان زندگی کنید. نخست از خود بپرسید: من برای یادگیری خود چه کرده‌ام؟ سپس همچنان که پیش تر می‌روید بپرسید: من برای کشورم چه کرده‌ام؟ و این پرسش را آنقدر ادامه دهید تا به این احساس شادی بخش و هیجان انگیز برسید که شاید سهم کوچکی در پیشرفت و اعتلای بشریت داشته‌اید. اما هر پاداشی که زندگی به تلاش‌هایمان بدهد یا ندهد، هنگامی که به پایان تلاش‌هایمان نزدیک می‌شویم هر کدام از ما باید حق آن را داشته باشیم که با صدای بلند بگوییم من آنچه در توان داشته‌ام انجام داده‌ام.»